

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آخرین رسالت آخرین پیامبر  
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

درسهایی از اصول دین، شماره هفده

نام جزوه: آخرین رسالت و آخرین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

- جامعیّت اسلام ..... ۹
- خدای قرآن و اسلام ..... ۱۱
- برابری عمومی در اسلام ..... ۱۵
- اسلام و آزادی فکر ..... ۱۶
- اسلام و دعوت به تفکّر و دانش آموختن ..... ۲۰
- اسلام و زندگی ..... ۲۴
- احکام اسلام و پیشرفت زمان ..... ۲۶
- آیا رژیم‌ها و افکار روز، ما را بی‌نیاز می‌کند؟ ..... ۲۹
- امدادهای غیبی ادامه دارد ..... ۳۰

درس‌هایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۵

اسلام از نخست، به‌عنوان آخرین رسالت، گام  
پیش نهاده است و مسلمانان این حقیقت را  
خردمندانه و عاشقانه پذیرفته و اسلام را آخرین  
جلوه‌ی وحی و نبوت و مکمل دین‌های پاک پیشین  
دانسته‌اند. و نیز، همه‌ی مسلمانان، بر اساس آیه‌های  
قرآنی و روایت‌های بسیار؛ معتقدند که پیامبر  
اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، آخرین رسول خداست که رهبری بشر را،  
پذیرا شده است.

قرآن کریم، در آیه‌های زیادی جامعیت آیین  
پاک اسلام را توضیح می‌دهد و با روشنی و صراحت،  
محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را آخرین فرستاده‌ی خدا، باز می‌شناساند:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ؛ وَلَكِنْ رَسُولُ  
اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا<sup>۱</sup>.

یعنی: محمد، پدر هیچ‌یک از شما نیست؛ بلکه  
فرستاده‌ی خدا و آخرین پیامبران است؛ و خدا به هر  
چیز داناست.

در روایتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده است که به  
علی عَلِيٍّ فرمود:

تو نسبت به من، از هر جهت چون هارونی  
نسبت به موسی (اگر هارون برادر موسی بود، من نیز  
در قانون اخوت، ترا به برادری برگزیدم؛ و اگر  
هارون جانشین موسی شد؛ تو نیز جانشین من  
خواهی بود). جز آن‌که موسی آخرین پیامبر نبود و

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۷

من آخرینم<sup>۱</sup>. و هم او - که درود خدا بر او -  
می فرماید:

من آخرین خشت بنای نبوت<sup>۲</sup>م؛ پیامبران به آمدن  
من پایان یافته اند<sup>۳</sup>. امام علی - که سلام خدا بر او - در  
نهج البلاغه - کتاب عظیم فضیلت و دانش - می فرماید:  
به پیامبر اسلام - محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وحی پایان یافت<sup>۱</sup>.

---

۱. يَا عَلِيُّ! أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؛ إِلَّا  
أَنْهُ لِأَنْبِيَّ بَعْدِي. این حدیث را عموم دانشمندان علم حدیث -  
از شیعه و سنی - نقل کرده اند. الغدیر، ج ۳، ص ۲۰۲ - ۹۶.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى دَارًا  
فَأَكْمَلَهَا وَ أَحْسَنَهَا إِلَّا مَوْضِعَ لُبْنَةٍ فَكَانَ مَنْ دَخَلَهَا وَ نَظَرَ إِلَيْهَا  
قَالَ: مَا أَحْسَنَهَا! إِلَّا مَوْضِعَ هَذِهِ اللَّبْنَةِ؛ فَأَنَا مَوْضِعَ اللَّبْنَةِ، خْتِمٌ  
بِئِ الْأَنْبِيَاءِ - مسند ابی داود، ص ۲۴۷.

راهبر هشتمین، امام راستین، حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام  
- که بر او همواره سلام خدا- می فرماید: آیین پاک  
محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى دَاراً  
فَأَكْمَلَهَا وَ أَحْسَنَهَا إِلَّا مَوْضِعَ لَبْنَةٍ فَكَانَ مَنْ دَخَلَهَا وَ  
نَظَرَ إِلَيْهَا قَالَ: مَا أَحْسَنَهَا! إِلَّا مَوْضِعَ هَذِهِ اللَّبْنَةِ؛ فَأَنَا  
مَوْضِعُ اللَّبْنَةِ، خُتِمَ بِي الْأَنْبِيَاءُ - مسند ابی داود،  
ص ۲۴۷.

رستخیز نسخ نمی گردد و نیز پیامبری، از پس او  
نمی آید:



درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۹

شَرِيعَةٌ مُّحَمَّدٌ لَا تُنْسَخُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَلَا لِأَنْبِيٍّ  
بَعْدَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ.<sup>۱</sup>

آنچه برشمرديم، نمونه‌ای اندک از ده‌ها حدیث  
بود که در آن مسأله‌ی خاتمیّت پیامبر ﷺ و  
جاودانگی آیین پاک او، به روشنی و قاطع بیان شده  
است و جای هیچ تردید بازمی‌ماند...

### جامعیّت اسلام

از بزرگ‌ترین علل جاودانگی آیین اسلام، همین  
«همه‌جانبه بودن» آن است.

اسلام طرح جامعی است که بر اساس فطرت  
بشری بنیان‌گذاری شده است و همه‌سوی زندگی

فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، اعتقادی، عاطفی، اقتصادی، حقوقی و غیره... انسان را فرامی‌گیرد و اصول هر یک را با دلپذیرترین شیوه و واقع‌بینانه‌ترین دید، برای همه‌ی نسل‌ها و همه‌ی طبقات، در هر زمان و مکان؛ بیان می‌کند.

چنین است که اسلام شناسان اروپایی، هر یک به فراخور عمق دید و اندازه‌ی بررسی خویش، به همه‌جانبه بودن احکام اسلامی و جامعیت آن، اعتراف کرده‌اند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

اینک به واریسی برخی از گوشه‌های این  
جامعیّت پردازیم:

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۱۱

## خدای قرآن و اسلام

خدای اسلام، پروردگار همه‌ی جهانیان است؛ خدای قومی و قبیله‌ای نیست تا ویژه‌ی گروهی مخصوص باشد.

به هنگام نماز می‌خوانیم: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**؛<sup>۱</sup> سپاس ویژه‌ی خداست که پروردگار همه‌ی عالمیان است.

هر لحظه، هر جا، هر چه بخواهد، به وجود می‌آورد و هیچ محدودیتی در ذات او نیست. او اختیاردار همه‌ی موجودات است.<sup>۱</sup>

---

۱. سوره ی فاتحه الكتاب، آیه ۲.

بر آشکار و نهان، گذشته و آینده و هر چیز، حتی آنچه در قلب هامان می‌گذرد؛ آگاه است.<sup>۲</sup>

«با او بودن» در همه جا ممکن است و نیاز به نور دیدن راه و دیدن دربان ندارد، و از هر چیز به ما نزدیک‌تر است.<sup>۳</sup> حقیقتی است بی‌مانند، بیرون از همه‌ی صفات بشری و چون، مانند خدای مکتب‌های دگرگون‌شده نیست تا بشر گون و مخلوق مانند، باشد پس مکان ندارد، که مکان آفرین است.

---

۱. تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سوره ملک، آیه ۱.

۲. يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ. وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. - وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ-  
سوره تغابن آیات ۴ و ۱۲.

۳. وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ- سوره ق، آیه ۱۶.

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۱۳

در زمان نمی‌گنجد، که پدیدآورنده‌ی زمان  
است. پیوسته بوده است و هست و آغاز و انجام  
ندارد.

پس مثل و مانند ندارد.<sup>۱</sup>

ذات او فراسوی: خواب، خستگی، پشیمانی،  
اشتباه و دیگر عیبهاست.<sup>۲</sup>

یگانه بی‌همتا است، فرزند و پدر و مادر ندارد،  
شریک و همکار نیز، و این حقایقی است در سوره‌ی

---

۱. لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ - سوره شوری، آیه ۱۱.

۲. لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ سوره بقره، آیه ۲۵۴.

توحید، که مسلمانان شبانه‌روز چند بار آن را در نماز می‌خوانند<sup>۱</sup>، تا از هرگونه شرک به دور باشند.

خدای اسلام، خدایی است با همان صفاتی که از زبان پاک و شیرین قرآن برشمردیم: با مفهومی گسترده، شکوهمند و با عظمتی فراسوی گنجایش خرده‌های آفریده‌شده، به وسعتی که در اندیشه‌ی بشری نمی‌گنجد؛ بی‌نیاز بی‌انباز، چیره و نزدیک و برتر و نیز مهربان و بسیار مهربان و در دسترس؛ چنان‌که هر کس هر وقت می‌تواند با او راز کند و به پیشگاهش نیاز برد و هر چه می‌خواهد از او بخواهد

---

۱. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (الخ) سوره توحید. بگو، اوست خدای یگانه، خدای بی‌نیاز نزیایده است زاییده نشده است و او را

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۱۵

تا او آنچه به سود و مصلحت باشد، فراهم آورد که خود فرمود: **إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤْفٌ رَحِيمٌ**. خداوند به شما مهربان و بخشنده است.<sup>۱</sup>

### برابری عمومی در اسلام

ویژگی‌های نژادی و تمایزها نه تنها از دیدگاه اسلام القاء شده و پوچ است، بلکه برابری انسان‌ها از نظرگاه اسلام یک واقعیت قطعی است و واقع‌بینانه می‌گوید:

انسان‌ها همه با هم برابرند، همه از یک پدر و مادر و اعضای یک خانواده هستند و از جهت شرافت

---

۱. سوره‌ی حدید، آیه ۹.

و اصل و نسب مشترکند. کسی را بر کسی جز به پارسایی و پاکدامنی برتری نیست.<sup>۱</sup>

## اسلام و آزادی فکر

اسلام جانب‌دار پابرجای منطق و استدلال و آزادی اندیشه است. تحمیل ایده و عقیده و خفقان در اسلام وجود ندارد:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ.<sup>۲</sup>

یعنی: اجباری در - گزینش - دین نیست، راه از چاه شناسانده شده است.

---

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ؛ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ؛ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲. سوره‌ی بقره، آیه ۲۵۶.



درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۱۷

در اسلام، بررسی اصول عقاید، برای هر فرد،  
وظیفه است و بر هر فردی ضروری است که بی دلیل  
و برهان، چیزی را نپذیرد و اگر برخی احکام و  
دستورات اسلامی تعبدی است، و باید بی چون و چرا  
پذیرفته شود؛ به این دلیل پذیرفته می شود که:

از مبدأ وحی - که از خطا مصون است - در  
رسیده و به وسیله پیامبر و امامان پاک، بیان شده  
است.

اسلام، آنان را که کورکورانه به عقاید پدران و  
نیاکان خود دل می بندند؛ نکوهش می کند و آنگاه  
توصیه می کند که: خود بیندیشید و ژرف نگر باشید و

به اندیشه‌های سست و یاوه دل نسپارید و نگرایید و تنها پیرو دانش و یقین باشید!<sup>۱</sup>

اسلام به مخالفین حق می‌دهد که در محافل علمی، اشکال‌های خود را بیان کنند و دلایل خویش را برشمرند و پاسخ بشنویند:

قل! هاتوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ!<sup>۲</sup>

بگو، دلیل‌هایتان را رو کنید، اگر راستگویانید.

به همین جهت بسیار می‌شد که یهود و نصاری و سایر گروه‌هایی که در برابر اسلام می‌ایستادند؛ نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یا امامان پاک، می‌آمدند و در دین به بحث می‌نشستند.

---

۱. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۶.

۲. سوره‌ی بقره آیه ۱۱۱.

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۱۹

در اعصار و قرون بعد نیز، این شیوه رایج بود که اقلیت‌های مذهبی در محافل دانشمندان اسلامی به مناظره می‌نشستند؛ که تاریخ از آن رویدادها نام برده است.

دکتر گوستاولوبون در کتاب «تمدن اسلام»

می‌نویسد:

«... در بغداد، مجلس‌هایی برپا می‌شد و تمام نمایندگان مذهبی یهود و نصاری و هندود و گبر و دهری در آن شرکت می‌کردند و باکمال آزادی نطق می‌کردند و بیان هر یک با تأمل شنیده می‌شد و فقط تقاضایی که از آن‌ها می‌شد این بود که در مناظره‌های خویش، بر دلیل عقلی متکی باشند».

آنگاه دکتر گوستاولوبون اضافه می‌کند که:

«... اگر درست ملاحظه شود، بعد از هزار سال، جنگ‌های سخت و وحشیانه و عداوت‌های هواپرستانه و خونریزی‌های بی‌رحمانه، تاکنون اروپا به تحصیل این درجه از تساهل و آزادی، موفق نشده است...»<sup>۱</sup>

### اسلام و دعوت به تفکر و دانش آموختن

اسلام به اندیشیدن، بسیار ارج می‌نهد. از خردمندان، می‌خواهد که: در آفرینش، زمان، شب، روز، آسمان، زمین، حیوان، انسان، جهان و آنچه در آن است بسیار بیاندیشند.<sup>۲</sup>

---

۱. تمدن اسلام - گوستاولوبون، ص ۷۱۵ - ۷۱۳.

۲. سوره‌ی بقره، آیه ۱۶۴.

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۲۱

و نیز در زندگی گذشتگان فکر و علّت‌های سقوط و برافکنده شدن آنان را واریسی کنند تا زندگی خود را از پرتگاه مهالک آنان دور بدارند.<sup>۱</sup>

و باری، اسلام خواستار آن است که انسان با بینش ژرف و آزاد فکر کند تا افق‌های دوردست اندیشه و دانش را درنوردد و هر چه بهتر از وجود خویش بهره‌ور گردد.

به همین جهت، اسلام به پیشرفته‌ای علمی و اکتشافاتی که به خدمت بشریت گرفته شود؛ ارج می‌گذارد و از اینجاست که دانشمندان اسلامی در طی قرون بعد از اسلام، پیا خاستند و شاهراه تمدن بشری را به زیور کوشش‌های علمی خویش آراستند؛

---

۱. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۳۷.

چندان که نام بلندشان بر تارک تاریخ علم، جاودانه درخشان خواهد بود.<sup>۱</sup>

جرجی زیدان (مسیحی) در «تاریخ تمدن اسلام»

می‌نویسد:

«همین که تمدن اسلام پا گرفت، و دانش‌های تازه میان مسلمانان نشر یافت، دانشمندانی مسلمان، برخاستند که افکارشان از بنیان‌گذاران برخی از رشته‌های علوم، عالی‌تر بود و در واقع آن علوم، با تحقیقات جدید علمای دکتر گوستاولوبون در کتاب

---

۱. مانند جابر بن حیان، رازی، ابن سینا، خواجه نصیر طوسی. که در علوم عقلی، طبیعی، نجوم، شیمی و... آثار مفید و ارزنده‌ای دارند. و حتی تا اواخر قرن گذشته، کتاب‌های بوعلی در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد.

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۲۳

تمدن اسلام و عرب، ص ۷۱۰، چاپ اول، می گوید:  
«مسیو رنان می نویسد: آلبرت بزرگ هر چه داشت از  
بوعلی سینا فراگرفته بود.»

اسلام، رنگ تازه‌ای گرفت و مناسب با تمدن  
اسلام پیش رفت.»<sup>۱</sup>

مسیو لیبری می نویسد: «اگر اسلام از گردونه‌ی  
تاریخ، خارج شده بود؛ عصر تجدید علمی اروپا تا  
چندین قرن عقب می افتاد.»<sup>۲</sup>

---

۱ . تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ص ۵۹۸.

۲ . تمدن اسلام، گوستاولوبون، ص ۷۱۵ - ۷۰۶.

## اسلام و زندگی

از دیدگاه اسلام، بین زندگی مادی و معنوی و دنیا و دین، تضادی وجود ندارد.

از نظر اسلام، آنان که در دنیا دنبال کار نمی‌روند و کوشش نمی‌کنند؛ ناپسندند اگرچه آنان هم که جز به منافع شخصی و خورد و برد، به چیزی دیگر نفورند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

آن که دنیایش را به آخرت واگذارد یعنی به نام زهد دست از فعالیت‌های زندگی بشوید و نیز آن که آخرتش را به خاطر دنیا، از دست بنهد از ما نیست<sup>۱</sup>.



درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۲۵

پس می‌توان گفت که اسلام، در این مورد، چونان دو چشم روشن و مراقب است تا کردارهای مسلمانان، با جنبشی همسنگ، هم در سوی دنیا و بهره‌وری‌های خردمندانه از آن پیش رود و هم به جانب دنیای معنوی تنظیم گردد. پس در اسلام، رهبانیت و سربار جامعه بودن و کناره‌گیری و فردگرایی و انزوا وجود ندارد؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود که:

لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْنَا الرَّهْبَانِيَّةُ إِنَّمَا رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي، الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

رهبانیت بر ما نیامده است، رهبانیت پیروان من، جهاد در راه خداست.

## احکام اسلام و پیشرفت زمان

تحوّل یافتن و تکامل و توسعه‌ی وسایل زندگی و پیشرفت عوامل تمدّن، هیچ‌گونه منافاتی با جاودانگی احکام اسلام ندارد، چراکه ناسازگاری یک قانون با این‌گونه پیشرفت‌ها؛ وقتی پدیدار می‌شود که آن قانون، بر وسایل ابتدایی و عوامل ویژه‌ای تکیه کرده باشد، مثلاً اگر قانونی بگوید: همیشه به هنگام نوشتن باید فقط از دست استفاده کرد و به هنگام مسافرت فقط از الاغ و... در این صورت این قانون همگام پیشرفت علم و تمدّن، نمی‌تواند قدم بردارد.

اما اگر قانونی تکیه بر وسایل ویژه‌ای نداشته و به هنگام قانون‌گذاری، تنها آن‌ها را به‌عنوان مثال ذکر

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۲۷

کرده باشد؛ دیگر با پیدایش وسایل جدید و پیشرفت عوامل تمدن منافاتی نخواهد داشت.

اسلام از این گونه است یعنی نظری خاص به وسایل یک عصر ندارد مثلاً می‌گوید: در برابر بیگانگان باید نیرومند باشید تا از حقوق حیاتی و انسانی خویش دفاع کنید.

در این قانون، با آن‌که در عصر شمشیر و اسب وضع شده است، هرگز نظری روی افزار جنگ همان زمان اعمال نشده است، یعنی اسلام هرگز نگفته است:

جهاد اسلامی به‌طور حتم باید با شمشیر انجام گیرد. پس امروز هم قابل اجرا است.  
همین‌طور در مورد معاملات و کسب و کار و...

پس، دامنه‌ی تمدن و وسایل و عوامل آن تا هر جا بگسترده از حوزه‌ی شمول قوانین اسلام بیرون نخواهد رفت و این است یکی از رازهای جاودانگی اسلام.

جرج برناردشاو؛ فیلسوف و دانشمند شهیر انگلیسی می‌گوید:

اسلام تنها دینی است که با تمام ادوار زندگی بشر، سازگار است و شایستگی دارد که هر نسلی را جلب کند!

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۲۹

## آیا رژیم‌ها و افکار روز، ما را بی‌نیاز می‌کند؟

شکی نیست که بشر در راه دانش، بسیار پیش رفته است؛ اما، دانشمندان خود اعتراف دارند که دانستنی‌های آنان نسبت به نادانسته‌هایی که در جهان آفرینش وجود دارد، قابل قیاس نیست و اساساً چون بینش آنان محدود است نمی‌توانند به تمام اسرار جهان و نیازهای اصلی و فطری پی ببرند.

علاوه آن‌که، چون بشر هر چه پیش رود، از اشتباه مصون نیست؛ پس در زمینه‌ی خواسته‌های بشری، هر چه عرضه شود، در هر دوره‌ای، صد درصد اطمینان‌بخش نمی‌تواند بود. چراکه ممکن است عوامل محیط و دیگر چیزها ناخودآگاه در فکر و بینش او اثر بگذارد و او را از واقعیت دور سازد.

اما برنامه‌های اصیل اسلام، چون از ریشه‌ی وحی، روئیده‌اند، در آن احتمال اشتباه راه ندارد و می‌تواند در هر زمانی، راهنمونی اطمینان‌بخش باشد. البته بدان شرط که آن قوانین پاک را در چارچوب سایر سیستم‌های کج‌رو ادغام نکنند؛ که در آن صورت به‌طور کامل نمی‌توان از آن بهره برد.

### امدادهای غیبی ادامه دارد

برخی را تصور آن است که خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله بدین معناست که پس از او، ارتباط با جهان غیب مسدود می‌شود!

این تصور باطلی است چراکه معنی خاتمیت فقط آن است که پس از پیامبر اسلام، پیامبر و نیز دین

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۳۱

دیگری نخواهد آمد نه آن که به طور کلی ارتباط با جهان غیب نیز مسدود شود.

زیرا به اعتقاد ما شیعیان که به مقام امامت و ولایت امامان پاک دوازده گانه معتقدیم، این ارتباط برای همیشه، از طریق آن پاکان ادامه دارد. و این خود یکی از امتیازات بزرگ مذهب شیعه است.<sup>۱</sup>

صدرالمتألهین در «مفاتیح الغیب» می نویسد:

«وَحی، یعنی نزول فرشته به منظور مأموریت و پیامبری، هر چند منقطع شده است؛ ولی باب الهام و اشراق هرگز بسته نشده و نخواهد شد و ممکن نیست این راه مسدود گردد.»

---

۱ . البته امام مبین همان حقایق و احکامی است که از طرف

خدا به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی شده است.

## در دنیای حاضر، چگونه می‌توان به اسلام عمل کرد؟

فساد در دنیای ما، گر چه روزافزون است، و چون بهمن هر چه به دامنه‌ی زمان بیشتر فرو می‌غلتد، عظیم‌تر می‌گردد و در نتیجه بنیان‌براندازتر و نابودکننده‌تر؛ اما به خاطر داشته باشیم که بزرگ‌مردی و منش متعالی، اندر بلای سخت پدید آید. پس استقلال و شخصیت ما حکم می‌کند که با انحرافات زمان مبارزه کنیم.

اساساً کنترل و اصلاح محیط از وظایف بزرگ ما به حساب می‌آید. پیامبران با زندگی خود درس مبارزه با انحراف‌های زمان را نیز به ما آموخته‌اند. آن‌ها هرگز پیرو خواسته‌های گمراهانه محیط و



درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۳۳

شهوت‌های گوناگون و تپش آلود جامعه‌ی خویش نبودند و باری، آن‌ها محیط را عوض می‌کردند نه محیط آن‌ها را.

پیامبر اسلام - که سلام خدا همواره بر او - در مبارزه با سنن انحراف آلود جاهلیت، پایداری‌ها کرد؛ تا اجتماع و محیط را دگرگون ساخت:

اختلاف طبقات، تحقیر زنان، بت‌پرستی، جنگ‌های قبیله‌ای و ده‌ها انحراف‌های دیگر، از عادت‌ها و سنن و معتقدات مردم آن روز بود، اما با پیامردی پیامبر گرامی، همه در هم کوبیده شد.

عده‌ای از بزرگان قریش از جمله عتبه از روش پیامبر سخت ناراحت بودند؛ جلسه‌ای ترتیب دادند و پس از مذاکرات بر آن شدند تا: او را با وعده یا

وعید<sup>۱</sup>، از راه خویش بازگردانند اما پیامبر در پاسخ فرمود:

«مأموریت من همین است. سوگند به خداوند، اگر خورشید را در یک دست و ماه را در دست دیگرم نهند از راه خویش، پانمی‌کشم و ایمان خود دست برنمی‌دارم، و تا پیروزی یا مرگ پای دار خواهم ماند.»<sup>۲</sup>

پس: به پیروی از روش آن راهبر آهنین رأی و فرستاده‌ی خدای؛

---

۱. وعده به معنای وعده‌های خوب و وعید به معنای تهدید است.

۲. سیره‌ی ابن هشام، ص ۲۹۵ - ۲۶۶.

درسهایی از اصول دین، شماره هفدهم / ۳۵

« بیا ره توشه برداریم

قدم در راه بی برگشت بگذاریم»

تا زمان را آن چنان که باید بسازیم نه آن که

خویشتن را در اختیار زمان، آن چنان که هست

بگذاریم و خود را بدان وابسته سازیم.

پایان